

در ادامهٔ رسالت مجتمع فرهنگی آموزشی رشد، مبنی بر تربیت نسلی سالم، خودباور، اندیشمند و مؤمن و... بر پایهٔ "رشد‌های همه جانبه" که پیش‌تر به ۳ تایی آن (رشد عاطفی و اخلاقی، رشد علمی پژوهشی حرفه‌ای و فناورانه (کارآفرینی) و رشد میهن دوستی) پرداختیم. و اینک،

رشدینی؟!!

رشد دینی چیست؟ " رشد معنوی: ایجاد زمینه‌های لازم برای خودشناسی، خداشناسی و تربیت انسانی موحد و باورمند و متعهد نسبت به مسئولیت‌ها و وظایف خود در برابر خدا، خود، خلقت (طبیعت) و خلق (دیگران) با تقویت تمایلات روحانی و معنوی و احیای ارزش‌های دینی (اصول و فروع دین و مکارم اخلاقی) و نیز عمل به آن‌ها و ملحوظ داشتن آن‌ها که مسلمانی مسئولیت آور است نه برتری آور."

اهداف دوره‌های تحصیلی تعلیم و تربیت رسمی عمومی (زیرنظام سند تحول بنیادین آموزش و پرورش): ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی،

دوره اول ابتدایی

۱. با صفات مهربانی، بخشندگی، دانایی و توانایی خداوند آشنا شود و احساس اطمینان و آرامش حاصل از آن را ابراز نماید .
۲. با شناخت روش زندگی و آموزه‌های اخلاقی پیشوایان دینی (آداب و رفتار فردی و اجتماعی، راستگویی، نظم و پشتکار، تأثیر آن را در رفتار خود نشان دهد .
۳. با قرائت صحیح نماز و آیات آسان قرآن، آموخته‌های قرآنی خود را در زندگی به کار گیرد.

دوره دوم ابتدایی

۱. با درک مفهوم اولیه هر یک از اصول دین، پذیرش و احساس تعلق خاطر خود نسبت به آن را نشان دهد.
۲. با مطالعه روش زندگی و آموزه‌های اخلاقی پیشوایان دینی (عزت نفس، تکریم والدین، احترام به طبیعت و دیگران، وفای به عهد) و شناخت احکام مورد نیاز، الگوهایی را برای عمل صالح شناسایی کند و در زندگی به کار گیرد.
۳. با قرائت صحیح و روان، درک مفاهیم عینی و انس با قرآن کریم، آموزه‌های آن را در زندگی به کار گیرد.

چرا رشد معنوی؟ و نه اجبار دینی! که دین را اجباری نیست "لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ" "قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ" و رشد (راه درست) از غی (راه نادرست) در درون ما آشکار شده است (درونی است، بیرونی نیست) و رفتار ما برگرفته از تعقل، شناخت، مطالعه و پژوهش! تعیین کننده است (بازگشت به درون!). که به نفی راه نادرست رفتن از نور و روشنائی به تاریکی‌ها و پذیرش راه درست رفتن از تاریکی‌ها به روشنائی و نور (خدا)) می‌گراید که بی‌گمان به ریسمان استوار و بی‌گسست چنگ زده است.^۱ و این خود؛ **مهارت خودشناسی و خودآگاهی است...**

روزها فکر من این است و به شب نغمم
که چرا نامل از احوال دل خوشتم

از کجا آمده‌ام، آمدنم به چه بود؟
بر کجایی روم؟ آخرت نیل و وطنم

مرغ باغ ملکوتم، نیم از عالم خاک
دوسه روزی قفسی ساخته اند از بدتم بولوی

و معیار پذیرش دین و ارج انسان؛ اخلاق است و پیامبر خدا ص: "من برای کامل کردن اخلاق برانگیخته شده‌ام" و اخلاق یعنی:

آنچه بر خود می‌پسندی یا نه! بروی گمان نبرم!

و ما آیا فرهنگ، ادبیات و تاریخ‌مان رابه‌ویژه، فرهنگ ایرانی رامی‌شناسیم؟ چرا اسلام این‌گونه در فرهنگ مارسوخ دارد آیا پذیرش اسلام در فرهنگ ایرانی، اجباری بوده یا از شناخت و... که تاریخ از خدمات متقابل ایران و اسلام، حکایت دارد.

و ما چگونه با عزیزانمان دربارهٔ فرهنگ، تاریخ، دین و ... گفت و گو می‌کنیم؟ از روی شناخت و آگاهی و گفتار و رفتاری بر آن

پایه! یا از روی ترس، احساس گناه و...! که در این صورت؛
عنان بر یکده خواهیم تافت زین مجلس که وعظی‌بی‌علان واجب است نشیندن مانده

و اما آیا ما! بچه ها را پیامبرانه به راه درست! فرامی خوانیم (دعوت آ)? این گونه!

پیامبر بگو: این راه من است. من و پیروانم، همگان را بر بصیرت و آگاهی! به سوی خدا فرامی خوانیم. و... ۱۰۸ یوسف
و مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت فراخوان و با بهترین شیوه با آنان گفت و گو کن... ۱۲۵ نحل
که ما^۴ پیامبران را با دلیل های روشن و کتاب و معیار فرستادیم تا مردم (خود) به قسط و عدالت عمل کنند. و... ۲۵ حدید
و اما ما چگونه نام خدای را در میان بچه ها می بریم؟ آیا در این هنگام! وجودمان ملامت و پُر از خدا می شود؟ یا...
چگونه پرسش ها، شبهات و... در ذهن بچه ها را پاسخ می گوئیم؟

چگونه تعارض بین دین و رفتار دینداران! را پاسخ می دهیم؟
نظر و شناخت ما درباره انسان چیست؟ با مطالعه و بررسی با قرآن! و مقایسه با سایر نظرها؟
معیار درستی و نادرستی پندارها، گفتارها و رفتارهای مان چیست و از کجاست؟
روش دعوت ما چگونه است؟ دعوت بر پایه رفتار و کردار سنجیده مان است یا تنها به زبان!^۵

همگان به دنبال معیار رشد (راه درست) از غی (راه نادرست) باشیم تا دچار زیانکاری نشویم!

و اما آیا رشد و تربیت دینی، دگرگون کردن و اصلاح فرد است یا طراحی موقعیتی که خود فرد به پروراندن و شکوفاندن توانایی هایش که در سرشت و نهاد هر انسانی نهفته است، اقدام کند!

تربیت دینی، آگاهی بخشی، بیداری و هشدار (ندیراً) و مژده بخشی (بشیراً) در انسان است. تا از درون، شکوفا شود.
زیرا! نقش انسان در تربیت خود، عاملیت او و عمل او زمینه ساز هویت اوست. که "كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ۳۸" مدثر "هر انسانی در گروی انتخاب خویش است و نیز " وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ " ۳۹ نجم

حرکت کنی گشت، همان بدوی بدین

این جهان کوه است و فصل ما را سوی ما آید از اراضد امروی

در تربیت! خود انسان عامل است و

- رابطه های تلقینی میان پدر، مادر، مربی و بچه ها، تربیت نیست و با عاملیت انسان جور در نمی آید. زیرا اختلال در مبانی شناختی انسان است. زیرا تلقینی یعنی پذیرش بدون فهم و بررسی! و برای انسان عامل، پذیرفتنی نیست.
- و نیز نباید اکراه آمیز و تحمیلی (بیرونی) باشد که این نیز با عاملیت انسان سازگار نبوده و اختلال در مبانی ارادی انسان است. زیرا، یکی از مبناهای عمل انسان این است که با تمایل، میل و انگیزش درونی باشد تا گنج میسر شود. که

نارده نرنگ میسر می شود

پس چه می توان کرد؟ با آگاهی بخشی، روشن کردن ذهن نسبت به آن کاری که می خواهد انجام بدهد با دیدن شواهد و مطالعه و تفکر و تامل! آنگاه چه بسا متقاعد و اقناع شود با آگاهی! و از درون برانگیخته!

به ویژه در این عصر و با این نسل! تا انجام کار درست، شایسته و صالح! همواره و پیوسته بر پایه شناخت و ایمانی تازه! آن هم با تفکر و نگرش سیستمی (تواصوا بالحق) همدیگر را به حقیقتی چنین! سفارش کردن، با صبر و شکیبایی (تواصوا بالصبر)، و جز این، خسران و زیانکاری (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) است.

ادامه باهم...
دی ماه ۱۴۰۰

^۲ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۰۸ یوسف

^۳ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۱۲۵ نحل

^۴ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ... ۲۵ حدید

^۵ كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ ۱ امام صادق ع